



یک مُهرِ آلانی
جو دیت لِرِنر
گردانشِ آری سرازش و رامینِ اعلائی

تصویر جلد: حلقه‌ی انگشترِ زرینِ هخامنشی با نقش گوزنی در حال جمع کردن شُم‌ها به زیر شکم؛ کشف از تخت کواد، تاجیکستان؛ گنجینه‌ی جیحون؛ قطر: ۲ سانتی‌متر؛ وزن ۲.۵۰ گرم؛ نگهداری در باستان‌خانه‌ی بریتانیا



بخشی از پهنه‌ی هنری بزرگ ساسانی که از غرب تا شرق مدیترانه و از شرق تا هند و ترکستان (استان سین‌کیانگ امروزی) گسترش داشت، منطقه‌ای در شمال سرزمین اصلی ساسانیان، یعنی قفقاز جنوبی، را نیز شامل می‌شود. در این منطقه، نفوذ هنر ساسانی بیشتر از طریق آثار نقره‌کاری، سکه‌ها و مهرهای یافت‌شده در گرجستان (ایریای باستان) شناخته شده است [۱]. با این حال، واردات ساسانی و کالاهای تأثیرگرفته از هنر ساسانی در سایر نقاط این منطقه نیز مشهود است، به‌ویژه در شمال و مرکز قفقاز، در بافت‌هایی که به آلان‌ها نسبت داده می‌شود [۲].

آلان‌ها یک گروه ایلپاتی کوچنده‌ی ایرانی بودند که تا قرن اول میلادی در این منطقه مستقر شدند [۳]. این قوم عمدتاً دامدار و جنگ‌آورانی حرفه‌ای بودند که برخی از گروه‌هایشان در مواقعی با رومیان و بعدها با بیزانسی‌ها متحد می‌شدند و گروه‌های دیگر در مواقعی با ایرانیان هم‌پیمان بودند [۴]. با وجود روابط سیاسی متفاوتشان، آلان‌ها، همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، در مدار هنر و تأثیرات هنری ساسانی قرار گرفتند و از طریق تجارت، هدایا، رشوه یا غنائم، کالاهای هنری ساسانی را به دست می‌آوردند و گاه به تقلید از آنها می‌پرداختند [۵].

نمونه‌ی بارز این موضوع، شیء مورد بحث در این مقاله است: مَهری از جنس عقیق خط‌دار که شکل آن به‌طور مشخص ساسانی است، به سبک ساسانی ساخته شده و کتیبه‌ای به خط پهلوی [فارسی میانه] دارد. بر اساس خوانش پُردس اُکتور شروو^۲، این کتیبه مالک مَهر را «آسای [آسی]^۳، شاهزاده‌ی آلان» معرفی می‌کند (تصویر ۱) [۶]. هرچند این مَهر فاقد زمینه‌ی باستان‌شناسی مشخصی است، انتساب آن به یک شاهزاده‌ی آلان، آن را به سندی تاریخی جذاب تبدیل می‌کند. همچنین، ترکیب دو سنت بصری – سنت ساسانی و سنت کوچندگان استپ [پهن‌دشت] – در این مَهر، آن را به اثر هنری ارزشمندی برای مطالعه تبدیل کرده است. این بحث درباره‌ی سبک و شمایل‌نگاری این مَهر به دوست و همکار گرانقدرم، اُکتور شروو، که نخستین بار این مَهر را به من معرفی کرد، تقدیم می‌شود.

این مَهر تصویر یک گوزن خوابیده را نشان می‌دهد که پاهایش زیر بدن جمع شده‌اند. حیوان به صورت نیم‌رخ چپ روی سنگ به سبک نقش برجسته حکاکی شده است (تصویر ۱-الف) و در اثر مهرزنی، به صورت نیم‌رخ راست دیده می‌شود (تصویر ۱-ب). گوزن دارای شاخ‌هایی بسیار بزرگ است که شش شاخه از یک شاخ و هفت شاخه از شاخ دیگرش رشد کرده‌اند. علاوه بر این، دو شاخه‌ی رو به بالا به‌طور برجسته از بالای پیشانی به جلو خم شده‌اند. بدن گوزن با دقت و تأکید بر ماهیچه‌های شانه و ران مدل‌سازی شده و جزئیات سر آن به دقت حکاکی شده است. سه خط موازی کوتاه دنده‌های گوزن را مشخص می‌کنند و سه خط دیگر چین‌های پوست گردن یا یال گردن را نشان می‌دهند. پوزه‌ی برجسته، چشم بیضی‌شکل و گوش برگ‌مانند نیز با دقت مشاهده و حکاکی شده‌اند. این دقت در بازنمایی ماهیچه‌ها، یال، شاخ‌های بزرگ و شاخه‌های بالای پیشانی نشان می‌دهد که این گوزن متعلق به یکی از گونه‌های بزرگ‌تر، مانند گوزن قرمز^۴ است (تصویر ۲) [۷].

¹ Judith A. Lerner, 'An Alan Seal', *Bulletin of the Asian Institute vol. 19: Iranian and Zoroastrian Studies in Honor of Prods Oktor Skjærvø*, 2005, 83-89.

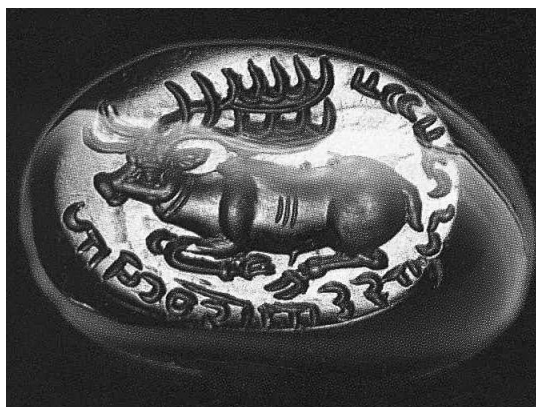
² Prods Oktor Skjærvø

³ Asay

⁴ *Cervus elaphus*

شکل مُهر، همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، شکل متداول ساسانی را دارد: مُهری به شکل بیضوی با سطح مهرزنی تخت، با سوراخی نسبتاً بزرگ برای عبور نخ یا زنجیر، و سطح پشتی صاف و بدون تزئین. [۸] سنگ مُهر از عقیق قهوه‌ای گرم با نوارهای سفید و قهوه‌ای تیره به پهناهای مختلف ساخته شده است.

بر اساس سبک کلی حکاکی، دیرینگی این مُهر احتمالاً به قرن چهارم یا پنجم میلادی می‌رسد؛ اما سبک خاص آن کاملاً معمول نیست و همان‌طور که خواهیم دید، آن را از سایر مهرهای این دوره متمایز می‌کند. همچنین، رسم الخط کتیبه نیز کاملاً معمولی نیست و کمابیش دارای ویژگی «استانی یا محلی» ارزیابی شده است. [۹] این ارزیابی، همان‌طور که خواهیم دید، با مالکیت مهر و انتخاب تصویر آن کاملاً سازگار است.



تصویر ۱-الف: مُهر با سطح مهرزنی حکاکی‌شده.

عقیق خطدار.

بیشترین طول: ۳/۲۲ سانتی‌متر.

برگرفته از: کریستی، ۱۹۹۸، صفحه ۱۰۷.



تصویر ۱-ب: نقش گچی حاصل از مُهر.

طول: ۲/۷ سانتی‌متر؛ عرض: ۱/۹۱ سانتی‌متر.

عکس: گویدو فینو.



تصویر ۲:
گوزن قرمز.
برگرفته از: ریدر، ۱۹۹۹، صفحه ۴۵.



تصویر ۳:
نقش‌های حاصل از دو مُهر ساسانی که گوزن‌های خوابیده را با یک پای جلویی خم‌شده یا کشیده نشان می‌دهند؛ دی کلرک ۹۴ و ۱۰۸، کتابخانه ملی فرانسه، پاریس.
برگرفته از: گیزلن، ۱۹۹۳-الف، لوح 30.J.13 و XXII: 30.J.14.
عکس‌ها: با اجازه از ریکا گیزلن.

بحث

در مهر آلانی، گوزن تقریباً تمام فضای بیضی شکل سطح حکاکی شده را پر کرده است. کتیبه، که بی شک پس از حکاکی تصویر روی مهر انجام شده است، از پشت شاخ‌های گوزن (ساعت ۱۱) آغاز می‌شود، به موازات لبه‌ی پایین مهر ادامه می‌یابد و در پوزه‌ی آن (ساعت ۳) به پایان می‌رسد. بنابراین، بیشتر کتیبه زیر بدن گوزن قرار دارد تا بالای آن، که در مهرهای ساسانی، صرف‌نظر از موضوع - چه حیوان، چه انسان یا شیء، چیدمان استانداردتری است. اندازه و جایگاه گوزن به گونه‌ای است که شاخ‌ها یا مجموعه‌ای از شاخ‌ها بخش بالای مهر را تسخیر کرده‌اند و اندازه‌ی گوزن و احتمالاً قدرت آن را برجسته می‌کنند. این تأکید بر شاخ‌ها از طریق اندازه و جایگاه در مهرهای ساسانی که گوزن‌ها را به تصویر می‌کشند (تصویر ۳) دیده می‌شود، اما در مهر آلانی، پیچیدگی باروک گونه‌ی شاخ‌ها به ویژه چشم‌گیر است. همچنین، دقتی که سازنده‌ی مهر در بازنمایی ماهیچه‌ها و چین‌های پوست حیوان به کار برده است، قابل توجه است - ویژگی‌هایی از حیوان که حکاکان ساسانی معمولاً با نشانه‌های خطی (تصویر ۳-الف) یا با فرم‌های گرد و عمومی برای نشان‌دادن ماهیچه‌ها و گوشت (تصویر ۳-ب) سبک‌پردازی می‌کنند.



تصویر ۴:

صفحه‌ای که شکار شاه ساسانی را نشان می‌دهد.

قرن چهارم میلادی.

نقره با زرکوبی [زراندود].

قطر: ۱۷/۹ سانتی‌متر.

شماره مرجع: ME 124091.

عکس‌ها: با اجازه از باستان‌خانه‌ی بریتانیا، لندن.



تصویر ۵:

صفحه سپر یا پلاک سینه به شکل گوزن.

کستروفسکایا.

قرن ۷ یا ۶ قبل از میلاد.

طلا.

طول: ۳۱ سانتی متر؛ عرض: ۱۹ سانتی متر.

باستان‌خانه‌ی هرمتاژ، سن پترزبورگ.

برگرفته از: موسسه باستان‌شناسی آلمان، ۲۰۰۷، صفحه ۲۰۰، تصویر ۲.



تصویر ۶:

سکه سیناتروکوس.

پارتی، حدود ۷۷-۷۰ قبل از میلاد.

درهم نقره‌ای، ۴/۱۴ گرم.

مؤسسه اسمیتسونین، واشینگتن دی سی، شماره مرجع ۱۹۷۹.۱۲۱۶.۰۰۷۴.

عکس: داگلاس ماد، با اجازه از کریس هاپکینز.

گوزن به عنوان موضوعی برای مُهرهای ساسانی، حیوانی غیرعادی نیست، هرچند که شیرها، اسبها و قوچها متداول‌ترند. گوزن‌های ایستاده، در حال حرکت و خوابیده وجود دارند، همچنین نقش نیم‌تهی گوزن که با دو بال باز حمایت می‌شود. [۱۰] زمانی که گوزن خوابیده است، ممکن است سر آن مانند مُهر آلانی رو به پیش باشد، یا این که به پس بچرخد. صرف‌نظر از جهت، گوزن معمولاً سرش را بالا نگه می‌دارد. در مقابل، سر گوزن مُهر آلانی کمتر رو به بالا است؛ سر به جلو کشیده شده است و سنگین به نظر می‌رسد، گویی که شاخ‌های عظیم بر سر سنگینی می‌کنند یا از زندگی تهی است. به این بی‌حرکتی، جایگاه پاهای پیش و پس گوزن افزوده می‌شود، که هر دو جفت پا کاملاً زیر بدنش جمع شده‌اند و هر جفت پا به قدری نزدیک به هم قرار دارد که از میان دو پای دور (یا چپ)، تنها مفصل پای جلوی چپ دیده می‌شود.

اگرچه بسیاری از دیگر نقش‌های مُهر گوزن‌های خوابیده یا در حال خم شدن، پاهایشان را به همین شکل تا کرده‌اند، اما معمولاً پای جلویی دورتر، بیشتر دیده می‌شود؛ همچنین، برای گوزن‌ها رایج‌تر است که پاهای جلویی شان را کمی از هم باز کرده یا یکی از پاها را خم کنند، گویی که قرار است بایستند (شکل ۳). [۱۱] در واقع، حالت و جسمیت سنگین گوزن در مُهر آلانی، یادآور تصویری از گوزن مرده در بشقاب ساسانی در باستان‌خانه‌ی بریتانیا است (شکل ۴) که شاه ساسانی — شاید شاپور دوم (۳۰۳-۳۷۹ میلادی) — را نشان می‌دهد که بر گوزن نشسته و آن را با نیزه می‌زند، در حالی که گوزن دوم مرده یا در حال مرگ است و خوابیده در پایین قرار دارد. [۱۲]

حالت گوزن دوم با تصویری از گوزن‌ها در هنر کوچندگان استپ مقایسه شده است، به ویژه با پلاک یا سینه‌آویز زرین سکایی پیداشده از کستروفسکایا در کوبان، که به اواخر قرن ۷ یا ۶ قبل از میلاد تعلق دارد (شکل ۵). [۱۳] این گوزن که به دوره‌ی آغازی هنر سکایی تعلق دارد، عظمت و قدرت حیوانی را به نمایش می‌گذارد که از طریق ویژگی‌های هنر مربوط به این مردم کوچ‌رو بیان می‌شود. [۱۴] چنین ویژگی‌هایی تقریباً یک هزاره بعد در گوزن‌های بشقاب

باستان‌خانه‌ی بریتانیا و مُهر آلانی تکرار شده است، که مورد آلانی در تضاد با تصویر مشابه گوزن‌ها در مُهرهای ساسانی معاصرش (شکل ۳) است. به نظر نمی‌رسد این عظمت و قدرت گوزن آلان تصادفی باشد، یعنی نه تأکید بر شاخ‌های بزرگ و شاخ‌های پیشانی برجسته‌اش و نه پیش‌آوردن سرش. درست است که تصویر حاصل دیدگاه و توانایی‌های سازنده‌ی مُهر است، اما انتخاب موضوع و شاید حتی شیوه‌ای که در آن به تصویر کشیده شده، خواسته‌های سفارش‌دهنده‌ی مُهر، آسای، شهریار آلانی را منعکس می‌کند.

پتولمیوس [بطلمیوس]^۱ در قرن دوم میلادی (ژئوگرافی، ۵.۹.۱۶) از قوم آسائیوی^۲ یاد می‌کند که همان‌طور که در منابع آمده است، در همان سرزمینی زندگی می‌کردند که به‌عنوان موقعیت آلان‌ها ثبت شده است و در واقع ممکن است این دو گروه همان مردم یا یک ایل وابسته به هم باشند. [۱۵] احتمال می‌دهیم که نام آسای از قوم‌نام آسائیوی، که یک واریانت از آئرسی^۳ است، گرفته شده باشد، که از میانه‌ی سده‌ی نخست پیش از میلاد در این منطقه شناخته شده‌اند و به نظر می‌رسد که با آلان‌ها ادغام شده‌اند، آن هم چه‌بسا چند قرن پیش از آن که آسای مُهر خود را سفارش دهد. [۱۶]

با انتخاب نمایشی از یک گوزن خوابیده با شاخ‌های عظیم، آسای به عمد به سنت هنری سکایی اشاره کرده است. اگرچه برخی بر این باورند که واژه‌ی سَکَه^۴ (که نامی است ایرانی برای کوچندگان استپ که یونانی‌ها آن‌ها را «سکایی»^۵ می‌نامیدند) از واژه‌ی «گوزن»^۶ (که در زبان اُستی مدرن می‌شود سَگ^۷ مشتق از *ساکه-^۸، که معانی مشابهی با واژه‌ی فارسی «ساخت»^۹ به معنای «شاخه» یا «شاخ» دارد) گرفته شده است، اما این ارتباط چندان محتمل به نظر نمی‌رسد؛ بلکه احتمالاً آن نام قومی به نادرست به ریشه‌ای فولکلوریک نسبت داده شده تا گوزن به نماد سَکَه‌ها/سکایی‌ها تبدیل شود. [۱۷] بنابراین، استفاده از گوزن به عنوان نشان این مردم استپی، یک بازی زبانی و بصری است، همچون خروسی که از زمان رومیان نماد فرانسه بوده است، زیرا در زبان لاتین، واژه‌ی «گالوس»^{۱۰} هم به معنی خروس و هم به معنی گالی [اهل دیار گُل]^{۱۱} است. [۱۸]

استفاده‌ی آسای از گوزن برای اشاره به میراث کوچ‌نشینان استپی یا سکایی منحصر به فرد نیست. آنتونیو اینورنزی^{۱۲} از صفحه‌ای فلزی یاد می‌کند که در خانه‌ی چهارگوشی در پایتخت آغازین اشکانیان، در شهر باستانی نِسا^{۱۳} پیدا شده است و «در یک سوی آن، تصویری برجسته از سر گوزنی وجود دارد که موقعیت معمول هنر مردمان استپ می‌بینیم آنجا که گوزنی توسط شکارچی به زیر کشیده شده، یعنی سرش پایین افتاده، یک پا به جلو کشیده شده و پای دیگر زیر بدن خمیده است». [۱۹]

به‌عنوان شواهد بیشتر مبنی بر اینکه گوزن به طور کامل با ایللیات استپ مرتبط بوده است، پادشاه اشکانی، سیناتروک^{۱۴} (حدود ۷۷-۷۰ قبل از میلاد) خود را در سکه‌هایش طوری نشان می‌دهد که تاجی تزئین شده با گوزن‌های درازکشیده به سر دارد، که این نماد تأیید آن کمکی است که او از طرف کوچ‌نشینان سَکَه‌رئو که^{۱۵} (سَکَه‌ها) برای پیروزی در مبارزه‌اش برای رسیدن به اورنگ شاهی دریافت کرده است (شکل ۶). [۲۰]

1 Ptolemy

2 Asaioi

3 Aorsi

4 Saka

5 Scythians

6 stag

7 sag

8 *sāka-

9 sākḥ

10 gallus

11 Gaul

12 Antonio Invernizzi

13 Nisa

14 Sinatruces; سنتروک، یا اشک دهم، پور مهرداد یکم

15 Sacaraucae

نتیجه‌گیری

در مورد مهر آسای از سبک خاص حکاکی، ویژگی‌ها و حالت خاص گوزن گفتیم که آن را از بیشتر تصاویر گوزن‌ها در هنر حکاکی ساسانی متمایز می‌سازد. با این حال، ویژگی‌های کلی آن، شکل مهر و استفاده از خط فارسی میانه [پهلوی ساسانی] نشان می‌دهند که آسای به هر روی با پهنه‌ی سیاسی و فرهنگی ساسانی در پیوند بوده است. [۲۱] احتمالاً، او به‌عنوان یک شاهزاده‌ی آلانی می‌توانست از خدمات یک حاکم ماهر بهره‌مند شود، کسی که به نظر می‌رسد در چارچوب سنت هنری ساسانی کار می‌کرده، اما به ذوق محلی آلان‌ها هم توجه داشته است (یا ممکن است جزئی از آن سنت اُستانی بوده باشد)؛ ویژگی اُستانی نوشته‌ها نیز می‌تواند این سناریو را تأیید کند. با این حال، ما مهرهای دیگری از قلمروی آلان یا نزدیک به نواحی نزدیک‌تر به قلمروی ساسانی نداریم که به مالکیت آلان‌ها یا سفارش‌دهی آنان نسبت داده شوند. هیچ‌یک از مهرهای ساسانی که در گورهای آلان‌ها یافت شده‌اند، کیفیت مهر آسای را ندارند [۲۲]؛ احتمالاً این مهرها به عنوان غنیمت جنگی یا به عنوان پرداختی به خاطر خدمات جنگاوران آلانی [در ارتش ساسانی] به دست آمده‌اند. برخی ممکن است واقعاً به عنوان مهر استفاده شده باشند، اما چند نمونه‌ای که همه در یک گور پیدا شده‌اند احتمالاً به عنوان طلسم بلاگردان یا به عنوان اشیاء عجیب‌وغریب از سوی مالکان آلانی ارزش‌گذاری شده‌اند. همچنین، هنر نسبت‌داده‌شده به آلان‌ها در این دوره (قرن‌های ۴ و ۵ میلادی) هیچ‌یک ویژگی‌های مشهود در این مهر آسای را به نمایش نمی‌گذارند. [۲۳]

آسای در گزینش نقشی برای مهر خود نماد نیاکانش را انتخاب کرد. نقشی که به همان شیوه‌ی سکاویان یا اسکیتی‌های باستانی به تصویر کشیده شده است، گوزن درازکش، با وجود ویژگی‌های عظمت و قدرتش، یا از پیش مرده، یا در حال مرگ است؛ موقعیت درازکش گوزن، بنا به این ریدر، «علامت فروافتادن زودآیند این حیوان است، که احتمالاً به دست یک شکارچی پیروزمند رخ داده است.» اما بی‌حرکتی بدن حیوان اغلب در این تصاویر اولیه با «پیدایش مدام سرهای پرندگان بر شاخ‌ها یا با برآمدن پیچک‌هایی از آن شاخ‌ها» تعادل می‌یابد؛ زیرا «به نیروی نوپدید یا دوباره‌جان‌گرفته‌ی زندگی اشاره دارد، چنان‌که چرخه‌ی زندگی ادامه می‌یابد.» [۲۴] ممکن است موقعیت یگانه‌ی این گوزن عظیم برای شهزاده‌ی آلان بیانی از تداوم زندگی و همچنین تداوم میراث اسکیتی [سکایی] او بوده باشد.

یادداشت‌ها

* مایلم از گرن س. رویسنس به‌خاطر خواندن پیش‌نویس این متن، و نظرات‌اش درباره‌ی ریشه‌شناسی کوچگران پهن‌دشت‌ها سپاسگزاری کنم؛ نیز از نیکلاس سیمز ویلیامز به‌خاطر کمک‌اش در روشن‌شدن برخی ابهام‌های ریشه‌شناختی.

1. For example, Machabeli 1983 (metalwork); Tsotselia 2002 (coins); Lordkipanidze 1958 and Callieri 2004 (seals).
2. Jeroussalimskaya 1989; Abramova 1997, 91, fig. 62; Dzattiaty 1986; all the Sasanian seals published in Dzattiaty are published in Kazanski and Mastykova 2003, 149.
3. Alemany 2000, 435; also Abaev 1985, 801; Kazanski and Mastykova 2003, 21–23; Kouznetsov and Lebedynsky 2005, 12.
4. Alemany 2000, 440–41; Kazanski and Mastykova 2003, 95–99; Kouznetsov and Lebedynsky 2005, 142–43; Frye 1972, 268; Alemany 2006.
5. Cf. Noonan 1982 for this dynamic in the Northern Caucasus and Kama basin at a slightly later time, the 7th century.
6. Christie's 1998, 106. The seal, a brown and white banded agate, measures at its greatest width 3.22 cm; the impression (fig. 1-b) is 2.75 cm x 1.91 cm.
7. Nowak 1999, 1110–13. This is the largest and most phylogenetically advanced species of *Cervus* with head and body length between 165 and 260 cm, shoulder height 120 cm, and weight 100–350 kg; well-developed antlers can measure up to 175 cm along the beam.

8. For the shapes of Sasanian seals see Gyselen 1976; the backs of many ellipsoid seals are often carved with abstract floral or geometric designs, but those made of agate seem more likely not to have decorated backs (Gyselen 1993, 30–31).
9. Christie's 1998, citing Skjærvø.
10. For some examples of all three types, see Bivar 1969, pls. 17–18: FA–FE; Göbl 1973, pl. 18:51a–q; Brunner 1978, 3dc: 88–91; Gyselen 1993, pls. XXII–XXIII: 30.J.1–30.J.52.
11. There are some exceptions, such as Gyselen 2007, 30.C.2 (p. 107) and www.tinyurl.com/bhl28h (lot 424 on the site), but the stags' heads are held upright.
12. Harper 1981, 36 and 57–58 for the dating of the plate and identification of the king.
13. Haskins 1952, 328; Christie's 1998, 106.
14. Jacobson 1995, 66–68. For other representations of similarly posed deer, see Jacobson 1995, figs. 100, 124, 144; Reeder 1999, no. 43; Deutsches Archäologisches Institut 2007, 313, fig. 5.
15. Abaev 1985, 801; Thordarson 1987, 764; Alemany 2000, 100.
16. Maenchen-Helfen 1945, 78, quoting Ammianus Marcellinus, *Res Gestae* 32.2, and noting that only Alans are mentioned “where one would expect Aorsi.” Cf. Alemany 2000, 32–42. Maenchen-Helfen considers Aorsi a variant of Asaioi, who are mentioned in Ptolemy 5.8.10–12 in place of Aorsi. Cf. Alemany 2000, 101 and 106 (Strabo, *Geography* 11.5, 8).
17. The connection between the name *Saka* and “stag” was broached by Vasilii Ivanov Abaev (*Istoriko-étimologičeskii slovar' osetinskogo iazyka*, vol. 3 [Leningrad, 1979], pp. 11–16) and refuted by Oswald Szemerényi (*Four Old Iranian Ethnic Names: Scythian, Skudra, Sogdian, Saka* [Vienna, 1980], p. 41), who proposed “nomad” as the meaning of “Saka” (pp. 44–45) [*non vidi*]. I owe these references to Nicholas Sims-Williams, along with the suggestion that the stag could have become a symbol of the Sakas as a result of a folk-etymology linking the word for “stag” with the name *Saka*, whatever the real etymology of the latter (email, 23 September 2008). Regardless of whether or whenever this folk-etymology developed, the importance among Eurasian steppe nomads of the stag is manifested in the Siberian rock art of the early 1st millennium *B.C.E.* and in the great burial at Arzhan (Tuva) dated to the 8th century *B.C.E.* Whether it is totemic or representative of a goddess, the recumbent stag, along with the crouched or coiled feline and the bird or bird head, form “the archaic triad of Scythian imagery.”
18. Pastoureau 1998, 405–30; Tresidder 1998, 49. Pastoureau notes that the Gallic cock was a symbol “first proposed, if not imposed, by foreigners [i.e., the Romans]” and was eventually accepted as “an authentic symbol for France . . . as rich in content as if it had been chosen by the French themselves” (p. 406); perhaps such word-play by foreigners is true for the “Scythian” stag.
19. Invernizzi 2007, 169 and fig. 4. Citing this disk and other examples, Invernizzi observes that “the Arsacid aristocracy had not forgotten the themes of their ancestral culture . . . [Numerous artifacts] clearly reveal that their origins lie in the animal art of the steppes . . . and it is no less significant that these themes should be chosen to embellish important parts of the harness of Parthian horses, whose vital role in society the [Arsacid] aristocracy introduced into the new state from their traditional way of life on the steppes.”
20. Sellwood 1980, Type 33, pp. 87–88. The Sacaraucae were a nomadic tribe that had penetrated into Bactria and Parthia in the 2nd century *B.C.E.*
21. He was most likely an “Eastern,” pro-Persian Alan, allied with the Sasanians against the Byzantines: Alemany 2006, 49–50; also Kouznetsov and Lebedynsky 2005, 143.
22. See n. 2, esp. Jeroussalimskaja 1989, 902 and pls. I–III. Among the Sasanian seals found in the 5th through 7th century necropolis at Edys (South Ossetia) are two with depictions of recumbent stags, but they are not as finely carved as Asay's seal (Kazanski and Masykova 2003, illustration on p. 149); similarly, the seal with standing stag from Kamounta (north-central Caucasus; Jeroussalimskaja 1989, pl. IIIb). None appears to be inscribed.
23. Thus, Jeroussalimskaja 1989 and Gabuev 2005.
24. Reeder 1999, 47. Any doubt that Scythian depictions of recumbent deer are intended as dying or dead is dispelled by the large (22.7 cm L) 5th or 4th century *B.C.E.* electrum stag from Tápiószentmárton (north-central Hungary), which truly seems inert, with its heavy body, elongated neck, and lowered head (Deutsches Archäologisches Institut 2007, 313, no. 5, where it is dated to the 6th century *B.C.E.*).

